

## تمکین زوجه، اشکالات و شرایط آن از منظر فقه امامیه، حقوق عرفی و حقوق افغانستان

صفحات ۲۹-۴۶

محمدهادی نبوی<sup>۱</sup>

علی جمعه مظفری<sup>۲</sup>

### چکیده

تنها راه مجاز ارضای غریزه جنسی زن و مرد در اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده است، ولی این رابطه جنسی گاهی قرین بدرفتاری می‌شود که ممنوع و نامشروع است، برای تأمین هدف از ازدواج، حق و تکلیفی به نام «تمکین» برای زوجین در فقه امامیه قرار داده شده است که کانون اصلی اختلاف، نظام های حقوقی هدف را تشکیل می‌دهد. نبود تصور صحیح از آن و عدم توجه به نقش و ابعاد مختلف آن، انتقادهای گوناگونی را درباره آن پدید آورده است. موضوع این تحقیق تبیین و تحلیل این حکم با نگاه به مبانی و منابع حقوق دینی و حقوق عرفی و مقایسه آن با حکم رضایت در روابط زناشویی در حقوق عرفی است. گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و انجام آن با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. در نتیجه به پرسش‌هایی نظیر تبعیض آمیز بودن، مردسالارانه بودن، اجباری بودن، تضییع‌کننده بودن حقوق شهروندی، و نبود رضایت در آن و ... پاسخ داده شده، و به ضرورت تعدیل در رضایت به آمیزش در حقوق عرفی و استیفای حق تمکین در حقوق دینی، حکم شده است؛ تا با نگاه معتدلانه از مزایای هر دو دیدگاه بهره‌مند و از نواقص شان به دور بود.

### واژگان کلیدی:

حقوق دینی، حقوق عرفی، تمکین، رضایت، خانواده.

۱. دکترای حقوق خصوصی و استاد جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

۲. دکترای فلسفه اخلاق تطبیقی.



## مقدمه

در طول تاریخ ظلم و ستم بر زنان به شکل‌های مختلف صورت گرفته و از سویی جنبش‌ای حامی حقوق زنان نیز چه بسا با افراط و تفریط ظلم دیگری بر آنها تحمیل نموده‌اند. اما اسلام با رعایت اعتدال و تناسب، ارزش، کرامت و حقوق متناسب با شأن و جایگاه زن برایش قائل شده است، هرچند متصدیان دین در معرفی درست آن، کم کاری نموده و این کار چه بسا موجب عدم تبیین درست احکام واقعی اسلام و پیدایش تفسیر کج‌اندیشانه از مسایل زنان و طرح پرسش‌ها و انتقادهایی بر برخی از احکام نظیر حق تمکین، شده است.

حق تمکین یکی از کانون‌های اصلی اختلاف نظام‌های حقوقی بوده و چگونگی رابطه جنسی زوجین بخش زیادی از رفتارهای آنها را متأثر می‌سازد. این تحقیق، حق تمکین را از جوانب مختلف فقهی، اخلاقی و حقوقی طبق مبانی حقوق دینی و حقوق عرفی بررسی نموده و روشن می‌سازد که این حق از مصادیق خشونت و تبعیض علیه زنان نبوده و نهادی در جهت تحکیم بنیان خانواده و حفظ ارزش و کرامت فرد و جامعه است. از این مسئله در ضمن نوشته‌های مستقل یا ضمنی بحث شده، اما به صورت تطبیقی بین حقوق دینی و حقوق عرفی بحث نشده است. در این تحقیق با گردآوری منابع حقوق دینی و حقوق عرفی و بررسی مبانی و اهداف آنها در باره تمکین؛ مزایای آنها با روش توصیفی و تحلیلی ارزیابی شده و به پرسش‌های مطرح در این باره، پاسخ داده می‌شود. در نتیجه ثابت می‌شود که تنها تکیه بر حقوق الزامی زن و شوهر در این مسئله، کافی نبوده و برای حفظ مصالح برتر باید در نظریه تمکین در حقوق دینی و نظریه رضایت در حقوق عرفی، تعدیل ایجاد شود و در روابط خانواده به جای الزام حقوقی، روح اخلاق و ارزش‌های اخلاقی حاکم گردد. هم‌چنین در این تحقیق مقصود از نظام‌های حقوقی هدف، نظام‌های سه‌گانه مندرج در عنوان مقاله است؛ و مراد از حقوق عرفی در این نوشتار، نظام‌های حقوقی غیر دینی است.

## مفهوم‌شناسی

برای ارائه تصویر روشن از مفاهیم دخیل در تحقیق، توضیحی در باره برخی مفاهیم اصلی و مشابه تحقیق ارائه می‌شود؛ و برخی دیگر را به عنوان اصل موضوعی مفروض می‌گیریم.

### ۱-۲. مفاهیم اصلی تحقیق

در این بخش به مفاهیم اصلی که در متن تحقیق به کار رفته پرداخته می‌شود و

آنها عبارتند از:

## ۲-۱-۱. مفهوم تمکین

در زبان عرب برخی، تمکین بر شیئی را به معنای سلطنت و قدرت یافتن بر آن معنا کرده (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۵۷۷) و در زبان فارسی به معنای مسلط گردانیدن کسی بر چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه تمکین). اما در این نوشتار معنای خاص تمکین در نظام خانواده مراد است که معنای لغوی اطاعت و پذیرفتن، در آن نیز وجود دارد ولی معنای مصطلح حقوقی آن با بیان اقسام آن روشن تر می شود.

## ۲-۱-۲. اقسام تمکین

تمکین به معنای اطاعت، قلمرو گسترده‌ای دارد که در این نوشتار به اطاعت زوجین از همدیگر محدود می شود. از اطاعت زن و شوهر از همدیگر در امور مربوط به کل زندگی به تمکین عام و از اطاعت در امور زناشویی به تمکین خاص یاد می شود. در تمکین عام، زن ریاست شوهر در محیط خانه و تصمیمات او در خصوص تربیت فرزندان، اداره مالی و اخلاقی خانواده را می پذیرد (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۷۳)، در تمکین خاص نیز طبق فقه رایج به خواسته‌های مشروع جنسی همسر بدون قید و شرط پاسخ می دهد (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۶/ ۱۱). اما طبق مبانی برگزیده تنها به تقاضاهای متعارف پاسخ می دهد. دلایل درون دینی تمکین زن نظیر قبول خانه شوهر برای زندگی، عدم خروج از آن بدون اجازه شوهر، حسن معاشرت، رعایت اخلاق، نظافت و آرایش به مقتضای زمان، مکان و موقعیت خانوادگی فراوان است که در مجموع زن می تواند با دلبری‌ها و ظرافت‌هایش، دل شوهر را به دست آورده، و نظر او را به جمال و کمالش معطوف سازد.

## ۲-۲. مفاهیم مشابه تمکین

در بخش، مفاهیم مشابه تمکین طیفی از مفاهیم مرتبط با بحث تمکین و روابط جنسی زوجین وجود دارد که به جهت اختصار تنها به ذکر عناوین آنها اکتفا شده و از توضیح و تفصیل اجتناب می شود و آنها عبارتند از: خشونت جنسی، اختلال هویت جنسی، اختلال انحراف جنسی، اختلال کژکاری یا عمل کرد جنسی، اختلال عملکرد جنسی ناشی از عیب جسمی، آزار و اذیت جنسی، گناه و معصیت و...

## مبانی حقوق خانواده در فقه امامیه

حق تمکین در نظام خانواده و بین زن و شوهر مطرح است، خانواده در نظام حقوق عرفی و حقوق دینی مبانی و اهداف خاص خود را دارد که احکام و مسایل



جزئی در پرتو آنها توجیه و تبیین می‌شوند. برای درک بهتر از نهاد تمکین در ابتدا به برخی از مبانی نظام حقوق دینی و سپس به برخی از مبانی حقوق عرفی اشاره می‌شود.

مبانی استدلالی مرتبط با حقوق خانواده در فقه امامیه امور فراوانی است که به دلیل اختصار تنها به عناوین آنها اشاره می‌شود: احترام به اصل کامجویی جنسی، توجه همزمان به مصالح فرد و جامعه، حفظ و استحکام نهاد خانواده، جلوگیری از ابتلای جامعه به کودکان بی سرپرست، اطفال نامشروع و خلط نسب، تأکید بر رضای غریزه جنسی در درون خانواده، آسان‌گیری و همکاری زوجین در ارضای غریزه جنسی، پرهیز از زنا و روابط نامشروع، پذیرش حکیمانه تفاوت تکوینی زن و مرد، تأکید بر اصل شرم جنسی، اصل عفت جنسی، جلوگیری از انحراف جنسی زوجین، توجه به تکوین در مقام تشریح، احترام به معاهدات و پیمان‌های بین المللی، قاعده عبادی بودن نکاح، قاعده احترام به حقوق دیگران، قاعده فقهی حرمت ایدای دیگران، قاعده لاضرر، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده فقهی معاشرت به معروف و...

### مبانی حقوق خانواده در حقوق عرفی

مبانی استدلالی حقوق عرفی عبارتند از: اصالت فرد، احترام حداکثری به خواسته‌ها و آزادی‌های فردی، کامجویی حداکثری از زندگی، برابری زنان و مردان، برقراری عدالت و برابری در حقوق جنسی زوجین، توجه به کرامت انسانی، احترام به اصول و مبانی فمینیستی، احترام به معاهدات بین‌المللی خصوصاً اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی، برادری، اباحه محوری، برابری خواهی، التزام به مبانی و اسناد بالادستی، دکترین مصونیت، شناسایی حاکمیت اراده زوج بر تمامیت جسمانی خویش، سیالیت و واکنش سریع به اقتضائات مبانی پذیرفته شده، خلاقیت و ابتکار در نهاد سازی، حفظ نهاد خانواده، اصل قراردادی بودن نکاح و پایبندی به مبانی اومانستی که براساس آن لذت، سود، رضایت و اظهار علاقه فرد اهمیت یافته و هرگونه تماس جنسی ناخواسته، تحمیل رابطه جنسی مکرر یا متفاوت از روش جنسی سنتی بدرفتاری جنسی حساب می‌شود. ۱ در این نگاه حکم تمکین طبیعتاً و منطقیاً مثل حقوق دینی، جا نداشته، و تأکید بر آن منافی با اصل لذت‌خواهی زوجین و نوعی تبعیض علیه زن و تقابل با اصل برابری و کرامت انسان تلقی می‌شود.

### ۴-۱. شرایط رضایت زوجین از رابطه جنسی، در حقوق عرفی

همانگونه که تمکین در حقوق دینی از احکام مهم نظام خانواده است، رضایت در

1. See also. <https://www.torontosexualassault.ca/spousal-assault>

روابط جنسی از احکام مهم نظام خانواده در حقوق عرفی است، از نظر آنها روابط جنسی زمانی از حالت ناخواسته و خشونت‌آمیز بیرون می‌آید که به گفته یکی از نویسندگان غربی دارای شرایط زیر باشد:

۱. شخص شریک در فعالیت‌های جنسی باید از رضایت شخص دیگر برای انجام فعالیت جنسی اطمینان یابد.

۲. اعتراض، مقاومت نکردن و سکوت به معنای رضایت نبوده، و لذا اعتماد بر ارتباطات غیرکلامی سوء تفاهم ساز است.

۳. داشتن رابطه دوستانه یا داشتن رابطه جنسی در گذشته، به معنای رضایت از رفتار جنسی در آینده نیست.

۴. رضایت در طول فعالیت جنسی از اول تا پایان باید محرز باشد.

۵. رضایت به یک نوع فعالیت جنسی، به معنای رضایت به شکل‌های دیگر آن نیست.

۶. در صورت شک در رضایت یا عدم رضایت، فعالیت جنسی تا معلوم شدن رضایت، متوقف شود.

۷. رضایت با استفاده از نیروی بدنی، تهدید قانع‌کننده، رفتار ارباب یا اجبار آمیز، به دست نمی‌آید.

۸. با افرادی ناتوان از اعلان رضایت، مثل دیوانه نباید رابطه جنسی برقرار شود و آنها طبق سیاست دانشگاه آیووا عبارتند از:

✓ افرادی در حال خواب یا بیهوشی، یا محدود شده از نظر جسمی به طور غیر ارادی؛

✓ افرادی غیر قادر به برقراری ارتباط رضایت‌مندانه به دلیل وضعیت روحی یا جسمی؛

✓ اشخاصی غیر برخوردار از سن قانونی طبق قانون آیووا کد ۷۰۹.

✓ افرادی ناتوان از اعلان رضایت به دلیل تأثیر الکل یا داروهای دیگر.<sup>۱</sup>

امروز بیشتر جاها رابطه جنسی بدون اشتیاق و پذیرش زن، بدرفتاری جنسی و جرم محسوب شده، و رضایت و اراده آزاد زن و شوهر علت موجهه و مبنیه نکاح و آثار آن است. دیوان عالی آمریکا از ۱۹۸۱م اجبار بر رابطه جنسی را غیرقانونی و در سال ۱۹۹۳ در تمام ایالات آمریکا رابطه جنسی بدون خواسته زن ممنوع شد (خضر حیدری، ۱۳۹۸).

حقوق مدنی و خانواده در فرانسه در دهه‌های اخیر بیشترین تحول را داشته و مفاهیم اساسی آن تغییر یافته است (محسنی، ۱۳۹۵ / ۴۲)، شکل‌های گوناگون

1. See also <https://opsmanual.uiowa.edu/students/sexual-misconduct-datingdomestic-violence-or-stalking-involving-students/definitions-and-1>.



خانواده از ازدواج زن و مرد با حقوق کاملاً برابر گرفته تا ازدواج دو نفر از یک جنس تا زندگی مشترک در حد تأمین نیاز جنسی بدون ازدواج و تا داشتن روابط صمیمانه و... پدید آمده است.

تشکیل خانواده در حقوق عرفی، تقدس و حرمت مطرح در اسلام را نداشته و برخی از رویکردهای فمینیستی با نگاهی انتقادی، خواستار برچیده شدن نهاد خانواده بوده و ازدواج را شکلی از ناهم جنس‌خواهی اجباری و غیرارادی با هدف کنترل احساسات جنسی زنان با تقید به شوهر و کنترل مردان بر کار زنان در خانه و نهایتاً سرکوبی زنان می‌دانند (هام، ۱۳۸۲: ۲۶۳). برای مقابله با نهاد خانواده، نظریه جدا زندگی کردن زن و مرد یا نظریه «زوج آزاد» را پیشنهاد نموده‌اند تا بر اساس آن طرفین هیچ مسئولیتی جز پاسخ به نیازهای جنسی هم نداشته باشند (موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷: ۱۷).

باقطع نظر از دیدگاه‌های تفریطی نسبت به خانواده، تشکیل «خانواده برابر» از هر حیث تنها برای ارضای غریزه جنسی، تفسیر متعارف از خانواده در حقوق عرفی است و در آن زن و مرد به عنوان دو شریک برابر در تأسیس، اداره و حفظ خانواده سهیم‌اند. این راهکار تا زمانی که راه‌های بهتر، ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر برای ارضا پیدا نشود، کارایی دارد، اما پس از آن به راحتی فروپاشیده و برقراری ارتباط پیدا و پنهان جنسی با غیر همسر جایگزین آن می‌شود.

اما خانواده در حقوق دینی بنیادی‌ترین نهاد با جایگاه رفیع و مقدس است، به همین جهت هرچیزی مؤثر در حفظ و استحکام آن نظیر تمکین مهم است؛ زیرا تنها در خانواده ارضای غریزه جنسی مجاز بوده و رعایت حیا، شرم و عفت و پاکدامنی جامعه مربوط به آن است. تأکید بر اصل آسان‌گیری و همکاری طرفین در قالب تمکین و مانند آن برای رسیدن به اهداف بزرگتر و مصالح برتر نظیر قرب به خداوند، استحکام خانواده، تولید و تربیت اولاد، جلوگیری از ابتلای جامعه به مفساد اخلاقی و حقوقی نظیر برقراری روابط نامشروع مثل زنا، لواط، هم‌جنس‌بازی، دوستی دو جنس مخالف، سقط جنین، پیدایش اطفال نامشروع، خلط نسب و... است. زن و شوهر با این رابطه سعادت و آسایش همدیگر را خواسته و از این گذشت و فداکاری خود لذت می‌برند.

#### ۳۴ اشکالات وارده بر نظریه تمکین

اما حقوق عرفی به تمکین با این دید، نگاه نکرده و بحث تمکین و تبعیت زن به صورت عام یا خاص براساس فقه رایج راه، یکی از مظاهر ستم جنسی برعلیه زنان می‌داند، و انتقاداتی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

## ۵-۱. تبعیض آمیز بودن تمکین

براساس تمکین در حقوق دینی زن باید مدام پاسخگوی نیاز جنسی مرد و مطیع آن باشد، درحالی که مرد تنها در هر چهارماه یک بار تکلیف پاسخگویی به نیاز جنسی زن را دارد، و این یک حکم کاملاً تبعیض آمیز است.

در پاسخ، باید به این حکم با توجه به مبانی الهیاتی، انسان‌شناختی و استدلالی حقوق دینی از جمله تناسب تکوین با تشریح نگرینست. با این نگاه اصل تمکین یک تکلیف مشترک زن و شوهر بوده و تصور یک جانبه بودن آن معقول، منطقی و مورد تایید شارع نیست. در فقه اسلامی به برخورداری زن از حقوق جنسی اعم از حق قسم یا هم‌خوابی یک بار در هر چهارشب و... تصریح شده و تمتعات جنسی با شرایطی، حق هر دو محسوب شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق: ۵/۵۰۸)، هرچند در ترسیم چارچوب آن با استفاده از مبانی یادشده جای نوآوری‌ها و استنباط‌های جدید وجود دارد و برخی از فقها به حق تمکین شوهر برای زن نیز فتوا داده‌اند (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۵۳؛ خویی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۸). در میزان و محدوده تمکین نیز به تناسب نگاه شده است؛ زیرا موقعیت، ساختار وجودی، وظایف و نقش‌های زن و شوهر اقتضائاتی دارند، همانگونه که در تأمین نفقه قدرت و قوت بدنی مرد دخیل است، در بحث تمکین‌خاص نیز تناسب طبیعت و توانمندی روحی و جسمی زن و مرد لحاظ شده است. در این تقسیم از زن مظهر مهر و عاطفه خواسته شده تا با تأمین نیاز جنسی همسرش او را از عشق و عواطف انسانی سرشار سازد، در عوض سختی هم‌آوردی کار و دغدغه بیرون از خانه و کارهای سنگین خانه از دوش او برداشته شده است. زن به دلیل حضور بیشتر در منزل، امکان پاسخگویی بیشتر به نیاز شوهر و حتی کنترل خواسته‌های نامعقول او را دارد و هرنوع سستی و طرد طرف مقابل، آرامش و استحکام خانواده را به هم زده و تدبیر مرد در بیرون را نیز مختل می‌سازد.

اما مرد به دلیل فعالیت‌هایی نسبتاً دشوار، زمان بر، و طاقت‌فرسا در خارج از منزل، کمتر امکان تأمین نیازهای جنسی زن را دارد، به همین جهت از هر کدام تمکین خاص به تناسب وضعیت و موقعیت و توانایی‌های شان خواسته شده، و در صورت تغییر وضعیت طبیعتاً حکم تمکین نیز تغییر خواهد کرد؛ و انتظارات تمکین از زن شاغل تمام وقت در بیرون از منزل، یا فاقد نفقه کامل با زن خانه‌دار محض فرق می‌کند. این نوع رابطه، فراتر از تبعیض، خواسته شهوانی محض، حس استخدام و استثمار زن برای مرد بوده و روح حاکم بر آن روح مودت و رحمت است (روم: ۲۱). قلب شوهر با ایمان، با عبور از سطح ابتدایی و خودخواهانه زندگی و رسیدن به مرحله دیگرخواهانه، بفرمایش امام صادق(ع) مالامال از محبت و عشق به همسر است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۳۲۰). در این سیر تصاعدی شکوفایی محبت



و رضایت، تمکین از حالت اجباری به حالت داوطلبانه و رضایت‌مندانه تبدیل می‌شود. بنابراین اندک تفاوت در میزان تمکین نه به خاطر تبعیض بلکه به جهت تفاوت وضعیت زن و مرد و تفاوت کمی و کیفی غریزه جنسی و چگونگی ارضای آن در آنها است که مورد تأیید متون دینی و تحقیقات علمی است.

در روایات به بردباری جنسی زن بیش از مرد و تحریک‌پذیری جنسی مرد بیش از زن اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۳۳۸-۳۳۹). برخی از آیات نیز دلالت بر ضعف مقابله مردان با شهوت جنسی دارند (نساء: ۲۸)، به همین جهت خداوند راه ارضای آن را برای مردان آسان‌تر گرفته است (بقره: ۱۸۷). شکایت مردان در عزوبت و راه حل خواستن آنها در روایات نیز بیانگر همین ضعف نیروی مردان در برابر شهوات جنسی است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۵۶۴). حکم فقهی تمکین زن براساس فقه رایج، بیشتر در این راستا قابل تبیین است که زن با تمکین، در حفظ مرد از گناه کمک می‌کند.

روانشناسان نیز به مقاوم نبودن مردان در برابر غریزه جنسی اذعان نموده‌اند که آنان در برابر مناظر تحریک‌آمیز به سرعت دچار طغیان شهوت شده، گاه تحمل خود را از دست می‌دهند (اسپرلینک، ۱۳۷۲: ۸۹). نمایش‌های عریان مانند عکس، فیلم و نقاشی در ۱۲ درصد زنان و ۵۴ درصد مردان سبب بروز شهوت می‌شود. واکنش شهوی در نتیجه مشاهده جنس مخالف، در زنان ۱۷ درصد و در مردان ۳۲ درصد است. متن‌های شهوانی ۱۴ درصد زنان و ۴۷ درصد مردان را تحریک می‌کند (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). براساس گزارشی، اکثر مردان بالغ زیر ۶۰ سال حداقل یکبار در روز و زنان به مقدار یک‌چهارم آن به رابطه جنسی فکر می‌کنند. ۷۵ درصد مردان به خودارضایی مبتلا شده و تقریباً نیمی از آنها آن را گناه می‌دانند. اما زنان تقریباً ۴۰ درصد شان اقدام به خودارضایی می‌کنند. تمایل مردان به فحشا نیز نشانه تمایل آنان به داشتن رابطه جنسی است («تفاوت میل به رابطه جنسی در زنان و مردان»، تاریخ مراجعه: ۹۸/۸/۴. <https://www.entekhab.ir/fa/news/323471>). در تجارت سکس طرف اصلی و دائمی آن مرد بوده، و برای این کار فوق‌العاده هزینه می‌نماید؛ در حالیکه زن خیلی اندک به دنبال مرد بوده و برای آن پول خرج نمی‌کند. این رفتارها نشان از قوت غریزه جنسی در مردان و تحریک‌پذیری بیشتر و در نتیجه نیازمندی آنان به حمایت بیشتر، است. ارضای غریزه جنسی زن و شوهر به‌عنوان یک وظیفه شرعی و اخلاقی، احرازکننده نصف دین به‌معنای واقعی کلمه بوده و جلوی بسیاری از ناهنجاری‌ها را در جامعه می‌گیرد. اگر به ابعاد و نقش تمکین به‌دور از حب و بغض نگاه شود، از طرفی به لزوم آماده‌سازی زن قبل از آمیزش نیز توجه شود، به خوبی اهمیت و ضرورت این حکم و تناسب آن با تفاوت‌های تکوینی و طبیعی زن و مرد روشن می‌شود.



## ۲-۵. مردسالارانه بودن تمکین

یکی از اشکالات وارده بر حکم تمکین، مردسالارانه بودن آن است؛ زیرا در آن گفته شده که زن باید از مرد اطاعت نماید و مرد زن را تنها برای برآورده کردن نیازهای جنسی خود، دوست می‌دارد.

در پاسخ به آن باید اولاً باتوجه به مجموع وظایف زن و مرد و نحوه تقسیم آنها در حقوق دینی نگاه شود. اگر نظر دین همواره بر حمایت از مرد باشد، نباید نفقه از مهم‌ترین رکن خانواده بردوش مرد نهاده شود؛ زیرا در مقایسه نفقه و تمکین، تأمین مسکن، غذا، لباس، درمان زن و فرزندان از طریق حلال، خیلی دشوارتر از تمکین به عنوان وظیفه مشترک زن و مرد است. از اینجا معلوم می‌شود که هدف و دغدغه دین، فراتر از جنسیت بوده، و در آن مردسالاری موضوعیت ندارد.

ثانیاً در حقوق دینی عشق مرد به زن تنها به ارضای غریزه جنسی خلاصه نشده، و این نیاز اولین دلیل شروع یک رابطه و نه همه‌ی آن است، خداوند در این نیاز اهداف مهم‌تر نظیر تولید نسل، حفظ و تربیت آن، رسیدن به آرامش و کمال دنیوی و اخروی قرار داده و چنین نیست که مرد، زن را تنها به خاطر نیازهای جنسی دوست داشته باشد.

ثالثاً دستور دوطرفی قرآن به معاشرت شایسته در همه امور به صورت باب مفاعله (نساء: ۱۹)، مردسالارانه بودن احکام دینی را نفی و به دوسویه بودن حقوق خانوادگی تأکید دارد، براساس آن هر یکی از همسران باید بادیگری به گونه‌ای رفتار کند که آرامش طرفینی حاصل شود، تنها رفتار یک طرف نمی‌تواند این آرامش را به وجود آورد. از آیه شریفه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸)، نیز ضرورت یک نوع موازنه میان حقوق و تکالیف زوجین فهمیده می‌شود. بنابراین زن و شوهر وسیله‌ای تأمین نیازهای طبیعی و جنسی همدیگر بوده و محدود کردن حق جنسی زن به هرچهار ماه یک بار با معیارهای یادشده نمی‌سازد. معیار کمیت و کیفیت روابط جنسی باید رفتار متعارف بوده و رفتار مبتنی بر اجبار، خشن و شیوه‌های نامتعارف باید نامشروع اعلان گردد؛ زیرا براساس حدیث نبوی(ص) مومن در رفتارهایش خواسته همسرش را در نظر می‌گیرد ولی منافق، با خود محوری تنها خواسته خود را تحمیل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۲/۴).

## ۳-۵. نبودن رضایت و شوق در تمکین

اشکال دیگر بر نظریه تمکین آن است که در آن رضایت، عشق و اشتیاق نبوده و تمکین بر زور و اکراه استوار است، در حالی که استفاده از زور و اجبار یک نوع بدرفتاری بوده و امر نکوهیده و مذموم محسوب می‌شود.



این اشکال نیز با توجه به ابعاد مختلف دستورات دین درباره آمیزش جنسی و حق تمکین قابل رفع است؛ زیرا: اولاً از نظر اخلاقی و فقهی داشتن روابط جنسی با رضایت و علاقه، در هر دو نظام حقوق دینی و عرفی مورد ستایش و سازگارتر با شأن و کرامت انسانی است. حقوق دینی نیز کسب رضایت زن برای آمیزش را یک کار مؤمنانه دانسته و روایات فراوان بر رجحان زمینه‌سازی حتی جواز بوسیدن عورت همسر (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰ / ۱۱۰) و... دلالت دارد. شیخ حر عاملی به استحباب «ملاعه» و «مداعبه» قبل از نزدیکی با زنان فتوا داده و بابتی به همین عنوان اختصاص داده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰ / ۱۱۸). در روایات تأکید شده که تمکین به صورت آنی و لحظه‌ای و در هر شرایط برای زن فراهم نبوده، برای آماده کردن او باید زمینه‌سازی شود. طبق روایتی آمیزش مرد با همسرش بدون زمینه‌سازی جزئی از سه ستم یاد شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰ / ۱۱۹). امام صادق (ع) ضمن دستور به بازی و شوخی بین زن و شوهر در هنگام آمیزش، آن را شیرین‌تر دانسته است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰ / ۱۱۸). در روایت نبوی از نزدیکی با زن مثل جفت‌گیری پرندگان منع شده و به درنگ کردن و در کنار همسر ماندن دستور داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۴۹۷). در روایت دیگر نیز از عجله کردن نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۵۶۷)، امام علی (ع) نیز از عجله در امر آمیزش نهی و بیان نموده که زنان نیازهایی دارند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰ / ۱۱۸).

توجه به این روایات حاکی از توجه منابع روایی به نیازهای جنسی زوجه و ارائه تصویر معقول، عادلانه و قابل دفاع در این زمینه است. نوازش، دلجویی، شوخی کردن، دلنوازی کردن، درآغوش کشیدن زن، قبل از نزدیکی یک حق دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۵۰). برخی از محشین کتاب عروه‌الوثقی به وجوب رعایت این مقدمات فتوا داده، و شهید ثانی بیان داشته که نزدیکی باید لذت‌بخش برای هر یکی از زن و شوهر باشد (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق: ۸ / ۴۴۵). مرحوم شیخ طوسی در مبسوط نیز شبیه آن را بیان داشته است (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۶ / ۱۳).

این مقدمات در راستای تحصیل رضایت زن و جلب لذت او در نظر گرفته شده است. در وسایل‌الشیعه در باب حرمت اذیت‌رسانی زوجین به همدیگر (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰ / ۱۶۳)، روایت مفصلی از رسول خدا (ص) نقل شده که در آن اذیت همسران حرام شمرده شده است. با این حساب نزدیکی باید براساس رضایت و اشتیاق طرفین بوده و به موجب فتوا به وجوب رعایت مقدمات نزدیکی، رضایت طرفین نیز به دست می‌آید.

ثانیاً بفرض که در برخی از موارد به دلایل مختلف رضایت کامل زن به آمیزش حاصل نشود، نادیده گرفتن رضایت او در حد عدم ضرر و زیان، به خاطر وفا به مقتضای عقد نکاح در دنیای عقود امر عجیب و جدیدی نیست، ممکن

است کسی یک روز برای نظافت منزل، اجیر شود بعد از قرارداد حتی در صورت پشیمانی و نارضایتی نیز باید کار را به اتمام برساند. تمکین در عقد نکاح، اثری از عقد است که اگر در مواردی جنبه‌ای تحمیلی نیز یافت، به اختیاری بودن عقد نکاح لطمه نمی‌زند. البته این سخن به معنای تأیید سوءاستفاده بعضی از مسلمانان از این قانون نبوده، و حساب سوء استفاده‌کنندگان همیشه از حکم اصلی دین جدا است.

#### ۵-۴. چرایی تحصیل رضایت زنان

یکی از پرسش‌ها در بحث تمکین ناشی از پاسخ قبلی است که در آن بر لزوم تحصیل رضایت زنان تأکید شده است، سوال این است که چرا برخی از فتاوا و روایات تنها به کسب رضایت زنان توجه نموده، و در آنها رضایت مرد نادیده گرفته شده است، در حالیکه در حقوق عرفی رضایت هر دو مورد تأکید است؟

پاسخ آن است که این تأکید در راستای تعدیل حکم تمکین زن و کسب رضایت او برای آمیزش و تأییدی برای تبعیض‌آمیز و مردسالارانه نبودن آن و هم چنین پاسخ به روایاتی است که در آنها تمکین در شرایط غیرعادی مثل پشت شتر (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۵۰۷) و امثال آن مطرح شده است. براساس آن، زن و شوهر باید وضعیت همدیگر را درک کنند، از یک سو زن با ساختار و مکانیزم جسم و روان شوهر آشنا بوده و بداند که با هجوم شهوت بر مرد تقریباً تمام جنبه‌های او نظیر تمرکز، دقت در بینائی، شنوائی و ... متأثر شده، و راندمان دیگر کارهایش نیز کاهش می‌یابد؛ و چه بسا در آن لحظه به فکر ارتکاب تصمیم‌های حرام و خطرناک بیفتد؛ در این شرایط به ارضای غریزه جنسی نیاز شدید داشته و هرچه سریعتر باید ارضا شود. تمکین زن از مرد در این شرایط، نقش بسیار مهم در افزایش انرژی روحی مرد و حفظ او از تصمیمات نابجا دارد و او را برای رسیدگی به همسرش بیش از پیش تقویت می‌نماید. در این اوضاع، ارزش خوب شوهرداری زن که ارزش جهاد را دارد، به خوبی روشن می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۵۰۷). چنانچه معنای برخی از فتاوا به لزوم اجتناب از برخی از امور مقدماتی نظیر اخم، بی‌توجهی، برخورد سنگین، اظهار ملالت و خستگی، رفتار تنفرزا مثل حفظ موی اضافی بدن، بوی بد دهان، خوردن چیزهای نجس و آلوده در حضور شوهر، عدم رعایت نظافت در صورت ممانعت یا نقصان استمتاع شوهر، نیز اهمیت خود را نشان می‌دهد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۱/۲۰۵).

از سوی دیگر شوهر نیز باید به وضعیت همسرش توجه داشته و درک کند که زن دیرتر از مرد تحریک می‌شود، به همین جهت عجله نکردن مرد به آمیزش به عنوان یک صدقه و امر استحبابی سفارش شده، و دو باب به این مسئله در منابع روایی اختصاص یافته است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰/۱۱۷-۱۱۸).



براساس ضرورت درک متقابل زن و شوهر از همدیگر، و درک نیازهای شان مشخص می‌شود که اگر با کوتاهی یک طرف، شخص دیگر به گناه بیفتد، شخص مقصر در گناه او شریک است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵ / ۵۶۶). در مواردی که اجرای یک حکم یا حق، موجب اضرار به غیر و یا حرج و دشواری گردد، طبق «قاعده معروف لاضرر و لاضرار» و «قاعده لاجرح» می‌توان جلوی آن را گرفت. اگر حق تمکین در شرایط عادی، با اجبار و اکراه و تحمل وضعیت ضرری و حرجی همراه شود؛ وجوب و حق بودن آن با مذاق شارع حکیم و قواعد و مبانی یادشده سازگار نیست. چنانچه اگر شوهر سرد مزاج با ترک مجامعت، زن گرم مزاج خود را در معرض گناه و تحمل وضعیت حرجی قرار دهد، زن می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع، او را به ارضای جنسی یا دادن طلاق وادار سازد. هیچ یکی از زوجین با نادیده گرفتن نیازهای جنسی دیگری حق ایراد ضرر بر او را ندارد، بلکه در روایتی از رسول خدا(ص) نفع رسانی در کنار ایمان بالاترین نیکی و ضرر زدن به بندگان خدا در کنار شرک، از بدترین شرور حساب شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۴ / ۱۳۷). اگر از این روایات، حرمت ضرر زدن به دیگری استفاده نشود، دست کم با دلالت بر زشتی اخلاقی آن، این کار را جزء بدرفتاری قرار می‌دهد.

### ۵-۵. استفاده از اجبار در حق تمکین

یکی از پرسش‌ها در باره حق تمکین استفاده از زور و روش آمیزش قهرآمیز شوهر با زن است که با نگاه ابتدایی به حکم تمکین، این شائبه و پرسش را به وجود می‌آورد، در این باره به چند نکته کوتاه اشاره می‌شود:

۱. درست است که تمکین براساس فقه رایج یک حق برای زن یا شوهر است، ولی برای استیفای آن استفاده از اجبار مجاز نبوده و راهکار خاص دارد که اشاره خواهد شد. دلایل عدم جواز، عدم ولایت شوهر بر زن در جائی است که دلائلی کافی نباشد و یا در حال شک و ابهام قرار داشته باشد. این مورد از همان موارد بوده و حق اجبار دلایل کافی ندارد.

۲. استفاده از اجبار و روش آمیزش قهرآمیز، با معاشرت معروف زن و شوهر منافات داشته و خداوند به شوهر حتی در مقام طلاق زن نیز به نیکی، احسان و رفتار محبت آمیز سفارش نموده است (بقره: ۲۳۱).

۳. استفاده از اجبار چه بسا باعث صدمات روحی و جسمی به غیر شود، که با قواعد لاضرر و لاجرح کاملاً قابل نفی است.

۴. دین انسان را برای تعدیل خواسته‌ها و روش‌های ناشایست، به تعادل در رفتار و شهوت دعوت نموده و از افراط در آن برحذر داشته است. درباره زیان اخروی شهوت‌گرایی در حدیث نبوی(ص) آمده: کسی که بیش‌ترین همتش رسیدن به شهوات باشد، حلاوت ایمان از دلش گرفته می‌شود (ورام بن ابي فراس، ۱۴۱۰ق: ۱۲ / ۲).

۱۱۶). سلب حلاوت ایمان از قلب، به معنای از بین رفتن قابلیت درک رحمت الهی است. در روایت دیگر کاهش رابطه جنسی با زنان از اسباب طول عمر شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳/ ۵۵۵). امام علی(ع) اصرار بر رابطه جنسی را از عوامل پیری زودرس، شیفتگی و حرص زیاد برای رسیدن به زنان را عامل محنت و بلا دانسته‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۳ و ۱۷۲).

اسلام با توجه به فطرت مشترک انسان‌ها مدل متناسب برای همه ارائه داده و تنها به یک بُعد قضیه و یا به خواسته‌های صرفاً احساسی، شهوانی و غریزی توجه نکرده است. تک‌بعدنگری بشر موجب گرایش به دیدگاه‌های متضاد به مرور زمان می‌شود. از این رو با قضایای مشهور زمانه باید با احتیاط برخورد کرد، و دغدغه‌های مشروع زوجین را با نگاه جامع به همه ابعاد زندگی و از طریق شرط ضمن عقد و امثال آن برطرف نمود.

اما راهکار شرع در صورت بروز عدم تمکین، نخست شناسایی و رفع عوامل نشوز نظیر ناتوانی جنسی، سردمزاجی، مساعد نبودن محیط خانه، خستگی و مشغولیت‌های کاری، وجود غم و غصه درونی، ترس از حاملگی، احساس بی‌ارزشی نمودن از سوی همسر، دل‌سردی از همسر و نارضایتی از اخلاق و رفتار او ... است، در صورت حل نشدن مشکل، قرآن بدون تجویز شدت عمل، به ترتیب سه راه موعظه با زبان نرم، دوری جستن از بستر و تنبیه را پیشنهاد می‌نماید (نساء: ۳۴). پس از مؤثر واقع نشدن موعظه و تأدیب جداسازی بستر، از سوی ادامه زندگی بدون تمتع جنسی بدون مطلوبیت و از سوی طلاق متلاشی‌کننده خانواده است. اینجا فقه اسلامی برای حفظ کانون خانواده و اجتناب از ضررهای فراوان طلاق، راه حل را در تأدیب بدنی سبک دانسته و آن واقع‌بینانه، معقولانه، و عادلانه‌ترین روش جلوگیری از نشوز و طلاق است که دقیقاً شوهر برای اصلاح همسر ناشزه خود از روش اصلاح فرزند خود سود می‌جوید. ممکن است این تأدیب بدنی خفیف نیز با شأن و شخصیت زن سازگار به نظر نرسد، ولی با توجه به پیمان ازدواج و انجام تعهداتی که زن و مرد نسبت به همدیگر دارند، نشوز یک جانبه، یک نوع برتری طلبی، بهره‌کشی یک‌جانبه و سرپیچی از تعهدات است، به عبارتی زنی که از مسکن، خوراک، پوشاک و هزینه زندگی شوهر استفاده نموده ولی حق شوهر را بی‌دلیل نپردازد، در واقع زورگویی و قلدری نموده و علاج روش قلدرمآبانه زدن خفیف به قصد اصلاح بدون کبودی و حتی سرخ شدن است. این بررسی با توجه به گفتمان غالب در فقه صورت گرفته است، نگارنده سطور در خصوص این حکم فقهی و برداشت از آیه شریفه احتمال دیگری را مطرح نموده است، که مشتاقان می‌توانند به منبع اصلی مراجعه نمایند (نبوی، بی تا: ص ۱۶۶).

اما در صورت نشوز شوهر که حق زن را ضایع نموده و عامل اختلاف شود، پس



از شناسایی علل نشوز و حل نشدن مشکل، پیشنهاد قرآن صلح و چشم‌پوشی از برخی از حقوق زناشویی برای ایجاد انس و جلوگیری از طلاق است (نساء: ۱۲۸). این حکم در جایی است که مرد حقوق واجب زن را پرداخته ولی زندگی با او را دوست نداشته بخواند زن را طلاق دهد، در این صورت زن می‌تواند برای جلب رضایت شوهر، برخی از حقوق خود را بخشیده و با او صلح نماید. اما در صورتی که نشوز مرد با نپرداختن حقوق واجب زن از قبیل حق قسم و نفقه و مانند آن برای بهره‌کشی بیشتر از او یا برای بخشش مهریه زن، تصاحب اموال و تحمیل هزینه زندگی بر وی و... باشد، با عدم پذیرش نصاب مشفقانه زن، وی می‌تواند از مرد به دادگاه شکایت نموده و حاکم شرع شوهر را به پرداخت حقوق واجب و رفع ستم از زن فرمان می‌دهد، در صورت عدم قبول شوهر، براساس تشخیص حاکم تعزیر و با فروش دارایی و حتی زمین او، به زن حق رسانی می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۵ / ۲۲۵). بنابراین در پاسخ به مسئله استفاده از اجبار و روش قهرآمیز در راهکار قرآنی وقفی در صورت بروز نشوز، رعایت انصاف صورت گرفته و دانشمندان علم حقوق برای رسیدن به یک نقطه مشترک و رفع اشکال، باید بر این ظرافت‌ها دقت کنند، نه آنکه چشم بسته اسلام را زن ستیز معرفی کنند.

#### ۵-۶. تمکین موجب عقب‌ماندگی زنان

یکی دیگر از اشکالات این است که نهاد «تمکین» به معنای عام و خاص آن باعث تضییع حقوق شهروندی و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی زنان است؛ زیرا مطیع بودن زن و خارج نشدن از منزل جز با اجازه شوهر و انجام کارهای خانه، نوعی حبس خانگی زن محسوب شده، و او را از بسیاری از کمالات مثل آموزش، رشد عقلانی، تربیتی، دینی و رسیدگی به فرزندان، استقلال مالی و شغلی و... محروم می‌نماید و این محرومیت‌ها او را آسیب‌پذیر، وابسته و غیرمستقل می‌سازد. در پاسخ به صورت کلی خاطرنشان می‌شود که بسیاری از کارهای زن در منزل نه به صورت تکلیف الزام شرعی بلکه به صورت یک کار تبرعی و اخلاقی انجام می‌شود، شریعت ارائه این خدمات حتی شیر دادن به فرزند را مجانی تحمیل نمی‌کند. باید بین واقعیت‌ها، و آداب و رسوم یک جامعه با احکام شرعی فرق نهاد. واقعیت‌های اجتماعی زنان در همه جوامع یکسان نبوده و در جوامع تحت سیطره حقوق عرفی و برخی از جوامع اسلامی رشد زنان در زمینه‌های مختلف خوب بوده و برای رفع بسیاری از مشکلات یادشده نظیر جواز اشتغال، تحصیل، رشد آگاهی‌های تربیتی و دینی و... می‌توان حکم به جواز یا حتی در مواردی حکم به لزوم نمود، از نظر حقوقی می‌توان با استفاده از عقدنامه‌های پیش ساخته و نهاد شرط ضمن عقد، منافع معقول و مشروع برای طرفین به خصوص زمینه یادگیری یکی از مهارت‌های درآمدزا مثل خیاطی، نقاشی و... برای زن و یا

پرداخت ماهانه حق بازنشستگی زن شاغل در منزل، فراهم کرد، تا در صورت بروز مشکل، زن شغل یا پس اندازی برای زندگی آبرومندانۀ خود داشته باشد. در برخی از رفتارهای مطرح شده نظیر خروج زن از منزل در صورت منافات نداشتن با حق استمتاع شوهر، می‌توان از طریق شرط ضمن عقد نکاح آن را چنین تعدیل نمود که زن برای کارهای مشروع و معقول حق خروج از منزل را داشته باشد، چنانچه قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان خروج زن از منزل را برای مقاصد مشروع و متعارف مجاز دانسته است (قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، ۱۳۸۸: ماده ۱۲۳، بند دوم)، بدون این که به اذن زوج یا شرط ضمن عقد نیاز باشد. این قانون با تکمیلی دانستن حق تمکین مردان، برای زن اجازه داده است که اشتیاق و میل قلبی را در آمیزش جنسی شرط نموده و در فرض عدم رغبت به آمیزش از درخواست مطالبۀ زوج امتناع نماید (قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، ۱۳۸۸: ماده ۱۲۴، بند پنجم).

البته حکم به جواز این امور به معنای تشویق زن به اشتغال تمام وقت و کار در بیرون از خانه نیست، زیرا نقش مادری و تأمین عاطفی منزل تنها و تنها از عهدۀ زن بر می‌آید، اما کار در بیرون از خانه را زن یا مرد هر دو می‌توانند غالباً متصدی شوند. در دوران امر میان نقش انحصاری و اشتراکی اولی مقدم است؛ علاوه بر آن اشتغالات پردرد سر و خسته کننده ادارات و شرکت‌ها در کنار انجام امور منزل و... برای زن مشکلات مضاعف را ایجاد می‌کند که پیدایش نداشتن رضایت زنان از آمیزش جنسی یکی از آنها است؛ زیرا اشتغالات فراوان زن توانی برای هیچ کار از جمله تأمین نیازهای جنسی خود و همسر نگذاشته و زن با آمدن به منزل جز به استراحت و خزیدن به گوشه‌ای به چیزی دیگر نمی‌اندیشد، چه بسا در اثر رنجش از تراکم کار و نداشتن فرصت کافی برای خواب، حالاتی مثل نشوز و عدم تمکین بیاید. چنانچه مرد نیز در نتیجه نداشتن درآمد مالی کافی و عجز از تأمین نفقه، ممکن است به خشونت و بدرفتاری و کارهایی رویبورد که در شرایط عادی اصلاً انجام ندهد.

آن چه تاکنون طرح گردید، بررسی اشکالات تمکین فقهی با ملاحظه گفتمان غالب فقهی بود، ولی این تحقیق باور دیگر دارد که در مقاله دیگر به صورت مستوفی بیان شده است (دانشگاه ادیان و مذاهب، دوفصلنامه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹: مقاله: بررسی مفهومی و مصداقی «بدرفتاری جنسی زوجین» از منظر فقه امامیه، حقوق عرفی و حقوق افغانستان).

## ۶. جمع‌بندی

از توجه به ابعاد گوناگون احکام فقهی به دست آمد که اصل اولی در تعامل زن و شوهر مبتنی بر رضایت و علاقه طرفین است، اما تأکید بیش از حد حقوق



عرفی بر رابطه جنسی عاشقانه، و تأکید بیش از حد حقوق دینی بر حق تمکین در هر صورت، واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نکاح در حقوق دینی تنها نهاد مشروع برای ارضای غریزه جنسی در کل عمر است. افزایش سن و عوامل گوناگون دیگر اشتیاق و رضایت قلبی به آمیزش را از بین می‌برد، اما تن دادن موردی به آن طبق خواسته طرف مقابل، برای حفظ مصالح برتر، نظیر حفظ خانواده و نزدیک شدن زن و شوهر به زندگی همدلانه، و دوری از بسیاری از مفسد و گناه، امر معقول و پسندیده است.

از سوی دیگر تأکید بر حق تمکین در هر شرایط بدون زمینه‌سازی و رعایت تمام حقوق زن از جمله پرداختن نفقه کامل نیز توقع به‌جایی نیست؛ زیرا نگاه واقع‌بینانه مبتنی بر مبانی دینی ایجاب می‌کند که رعایت تمکین تنها در حد متعارف واجب باشد و نه بیش از آن؛ زیرا ادله وجوب تمکین از رفتارهای جنسی غیر متعارف کما و کیفاً، انصراف داشته و تقاضاهای تمکین غیر متعارف را دربر نمی‌گیرند، براین اساس تقاضای تمکین ضرری یا حرجی، نادرست و حتی موجب ضمان خواهد بود.

با این حساب در روابط زن و شوهر علاوه بر تأکید بر احکام مستحبی و دستورات اخلاقی؛ در وظایف الزامی حاصل از تمکین نیز باید تعدیل صورت گیرد؛ تا با حاکمیت اخلاق در خانواده؛ همدیگرپذیری، ایثار، گذشت، پرهیز از رابطه آزاد و... افزایش یافته، و تمکین نیز به معنای انضباط اخلاق جنسی برای سلامت خانواده و جامعه در نظر گرفته شود، و از هرگونه برخورد خشونت‌آمیز به حکم آیات و روایات پرهیز گردد. با این نگاه، راه تفاهم بین دو نظام حقوق دینی و حقوق عرفی نیز بیشتر باز شده، و آنها به فهم مشترک نزدیک‌تر خواهند شد.



## منابع

### الف: کتب ومقالات

#### الف- ۱: فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. اسپرلینک، ابراهام، (۱۳۷۲)، روان‌شناسی، محیی‌الدین بناب؛ [بی‌جا]، نشر روز.
۳. جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی، (۱۳۷۸)، در آمدی بر عرف، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۴۱)، لغت نامه، تهران، انتشارات مهر.
۵. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، حقوق تطبیقی، چاپ ۱۵، تهران، سازمان سمت.
۶. صادقی مقدم، محمد حسن و دیگران، (۱۳۹۵)، «ماهیت و جایگاه عقد نکاح در میان عقود معاوضی و غیر معاوضی»، در: آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳، ص ۵۳-۷۸.
۷. صفایی، سید حسن و امامی، اسدالله، (۱۳۸۶)، مختصر حقوق خانواده، چاپ سیزدهم، تهران، نشر میزان.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر همدانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی خانواده، چاپ پنجم، تهران، بهمن برنا.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ ۴۳، تهران، شرکت سهامی.
۱۱. کریمی، حمید، (۱۳۹۰)، «تفاوت‌های زن و مرد از نگاه دین و علوم تجربی»، در مجموعه مقالات: جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۲. محسنی، الهه، (۱۳۹۵)، اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه، چ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۳. موسسه فرهنگی طه، (۱۳۷۷)، نگاهی به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۱۴. وزارت عدلیه افغانستان، (۱۳۹۶)، قانون منع اذیت و آزار زنان و اطفال افغانستان، نشریه رسمی، شماره ۱۲۸۰.
۱۵. هام، مگی، (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و دیگران، تهران، توسعه.

#### الف- ۲: عربی

۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ ۲، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۱۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. بحر العلوم، سید علی (۱۴۱۵ق)، بحوث فقهیه (تقریرات بحث‌های حسین حلی)، ط ۴، قم، مؤسسه المنار.
۱۹. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهرة، چاپ اول، ج ۲۱، قم،



- دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. تبریزی، جواد، (۱۴۲۷ق)، صراط النجاة، چاپ اول، قم، دار الصديقة الشهيدة.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۲. حلی، «فخر المحققین»، محمد، (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۳. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات، قم، دارالاعتصام.
۲۴. سبزواری، سید عبد الاعلی، (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، چ چهارم، قم، مؤسسه المنار.
۲۵. شهیدثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
۲۶. طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۲ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، الطبعة الاولى، بیروت، دارالهادی.
۲۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی (المحشی)، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۰ق)، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، چ ۱، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چاب اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، چ ۳، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۳۲. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۷۸)، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران، دادگستر.
۳۳. فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، چاپ دوم، قم، موسسه دار الهجرة.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳۵. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۳۶. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۳۷. ورام بن أبي فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، مجموعة ورام، چاپ اول - قم، مكتبة فقيه.

### ب: منبع برخط

۳۸. خضرحیدری، فهیمه، (۱۳۹۸/۲/۴)، «تمکین؛ حق مردانه یا تجاوز قانونی در چارچوب زناشویی؟»، رادیوفردا، برنامه تابو: <https://www.radiofarda.com/a/taboo-e113-over-obedience-in-Muslim-family/29770610.html>
۳۹. <https://opsmanual.uiowa.edu/students/sexual-misconduct-datingdomestic-violence-or-stalking-involving-students/>